

نقش و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی

محسن ضیائی^۱

چکیده

صلح مفروضه اصلی به وجود آمدن رشته روابط بین‌الملل بوده است. از تاسیس کرسی روابط بین‌الملل قضیه صلح و کنترل جنگ یکی از دلایل اصلی بحث و مجادلات نظری و عملی در جهان بوده است. تاکنون تئوری‌های زیادی در جهت ایجاد صلح و برقراری امنیت جهانی در عرصه مطالعات روابط بین‌الملل به وجود آمده است و در زمینه‌های عملی نیز سازمان‌های زیادی برای بسط صلح در عرصه جهانی تاسیس شده است. به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم تلاش‌های زیادی در زمینه ایجاد صلح جهانی چه در زمینه تئوریک و چه عملی انجام شده است. در اینجا سؤالی می‌باشد این است که سازمان‌های بین‌المللی چه تأثیری در صلح جهانی و امنیت بین‌المللی به خصوص بعد از جنگ سرد داشته است؟ بر همین مبنا در این پژوهش سعی می‌شود تا با استفاده از رویکرد نهادگرایی به این موضوع پرداخته شود.

واژگان کلیدی: صلح جهانی، سازمان‌های بین‌المللی، امنیت بین‌المللی، نهادگرایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی Mohsenziaic1349@gmail.com

مقدمه

از عوامل اصلی در ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت‌ها، وحشت از جنگ می‌باشد که به صورت انگیزه‌ای برای همکاری بین‌المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی درآمده است. یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح و امنیت بوده است. در این راستا اقدامات سازمان‌های بین‌المللی برای حل و فصل مناقشات دارای اهمیتی حیاتی است؛ چرا که بیشتر این سازمان‌ها، بعنوان نهادهای فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تأثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا می‌باشد. می‌توان صلح را ماهیت اصلی به وجود آمدن این سازمان‌ها دانست. به همین دلیل هدف اصلی، بررسی میزان کارکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی می‌باشد این پژوهش سعی دارند به این موضوع بپردازند، که چگونه سازمان‌های بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد، در تأمین صلح جهانی، می‌توانند تأثیرگذار باشند. فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که با وجود حقوق و وظایفی که سازمان‌های بین‌المللی در چهارچوب قوانین خود، برای دولت‌ها وضع کرده‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین صلح جهانی دارا می‌باشد (بیگزاده، ۱۳۹۰: ۱۲).

سازمان‌های بین‌المللی دو نوع سازمان کاملاً متفاوت را در برمی‌گیرند؛ اولین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی دولتی که آنها را دولت‌های ملی تشکیل می‌دهند و اداره می‌کنند. دومین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که دولت‌های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره آنها ندارد. امروزه تعداد سازمان‌های بین‌المللی دولتی را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تخمین زده‌اند. امروزه در جامعه بزرگ جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده‌دار شده‌اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلای قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هرآنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (همان، ۱۴).

نهادگرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نقش نهادهای بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان‌های بین‌المللی و توانایی آنها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۵۹). از مسائل و اهداف اصلی سازمان‌های بین‌المللی در قرن حاضر رسیدن به صلح جهانی و امنیت دسته جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین‌المللی مهم قرن، سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث اختلال در روند سیستم امنیت

بین‌المللی گردید. پس از پایان جنگ سرد نیز جهان وارد یک دوره انتقالی گردید و این وضعیت، زمینه را برای نزدیکی بیشتر ملت‌ها در جهت حل بعضی معضلات فراهم کرد. و در نتیجه سازمان‌های بین‌المللی تمام هدف خود را بر این مساله گذاشتند که با تشکیل کنفرانس به راه‌حلی برای رسیدن به صلح و همکاری-هایی در صحنه جهانی دست پیدا کنند.

اگرچه صلح از کهن‌ترین آرمان‌های بشر است، تاریخ بشر مشحون از درگیری‌ها، تعارضات و برخوردهاست. بروز دو جنگ ویرانگر و خسارت‌بار به فاصله کوتاهی از هم در نیمه اول قرن بیستم، جامعه بین‌المللی و افکار عمومی را تکان داد و سبب شد سیاستمداران و حقوقدانان درصدد پیدا کردن راهی برای کاهش تهدیدات و آرامش در جامعه بین‌المللی برآیند. شاید بدون عراق بتوان گفت امروزه اولین و مهمترین هدف کشورها در روابط بین‌المللی، آرامش و برقراری صلح و امنیت است. تا قبل از تحولات اخیر در روابط بین‌المللی، منبعث از نگاه نظامی که اصطلاحاً نظام وستفالیایی نامیده می‌شود صلح و امنیت به معنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، رعایت مصونیت کشورها و نمایندگان آنان، احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی آنان و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تلقی می‌شده است. در این دیدگاه، به امنیت بین‌المللی نگاهی محدود می‌شد که حیطه آن محدود به مرزهای دولت‌ها بود. از این زاویه، حاکمیت و استقلال دولت‌ها،

مهمترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. اگر تهدیدی بود عمدتاً نظامی و غالباً این تهدیدات از طرف دولت‌های دیگر بود و مسئول اولیه تأمین امنیت نیز خود دولت‌ها با متحدان آنها تلقی می‌شدند. منظور از صلح و امنیت در روابط بین‌الملل، آرامش و ثبات در جامعه جهانی است. امنیت نیز عمدتاً به نوعی احساس روانی اطلاق می‌شود. که در آن به علت فقدان ترس، وضعیت آرامش اطمینان خاطر حاصل می‌شود. مثلاً امروزه اتفاقاتی همچون گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی، امنیت خاطر بشر را برهم زده است در صورتیکه پنجاه سال پیش، چندین چیزی قابل تصور نبود. این بدان دلیل است که با گذر زمان، ساختار جوامع بشری پیچیده‌تر شده و وابستگی افراد بشر و جوامع مختلف به یکدیگر افزون‌تر شده است. هنگامی که رهبران جهان در سال ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو برای تشکیل سازمان ملل متحد دور هم جمع شدند اذهان آنها عمدتاً متوجه صلح و امنیت بین‌المللی بود. در واقع اولین خط مقدمه منشور به ضرورت حفظ نسل‌های آینده از خطرات جنگ اشاره می‌کند. هدف از نگارش پژوهش حاضر بررسی نقش و عملکرد سازمان-ها و نهادهای بین‌المللی در زمینه برقراری و تأمین صلح در سراسر نقاط جهان و حفظ نظم و امنیت در نظام بین‌المللی است.

پرسش تحقیق

همکاری سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در زمینه تأمین صلح جهانی تا چه اندازه تأثیرگذار است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی-اسنادی می‌باشد و منابع مورد استفاده اعم از کتب، مقالات و مطالب مندرج بر روی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها ابتدا جمع‌آوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پس از تجزیه و تحلیل در متن تحقیق منعکس شده است.

چهارچوب نظری

سازمان‌های بین‌المللی در حقیقت بیانگر نوعی فدرالیسم جهانی هستند. در فدرالیسم جهانی ما شاهد تجمع-هایی هستیم، که عناصر تشکیل دهنده آن (دولت‌ها) ویژگی دولت بودن خودشان را حفظ کرده‌اند و ضمن حفظ ویژگی خودشان یک نهاد مستقل از خود ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی در واقع، نماد بسیار بارز فدرالیسم جهانی می‌باشند که حیات مستقل و شخصیت حقوقی مستقل از عناصر خود را دارند. بطور خلاصه، سازمان‌های بین‌المللی از یک دید شبیه دولت‌های فدرالی هستند که ما در جهان شاهد آنها هستیم، از این دیدگاه که سازمان‌های بین‌المللی، مجموعه‌ای از نهادها هستند که با یکدیگر جمع می‌شوند و یک نهاد دیگری به وجود می‌آورند، شبیه فدرالیسمی است که ما بین دولت‌ها می‌شناسیم و هر کدام از درون مستقل هستند اما در بیرون و سیاست خارجی خود، به منظور حفظ وحدت و رسیدن به یک امنیت جمعی در بین خود با یکدیگر همکاری و فعالیت می‌کنند (بیگزاده، پیشین: ۱).

امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که تا چه حد سازمان‌های بین‌المللی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین‌المللی از جایگاه مهمی برخوردارند. سازمان‌های بین‌المللی از دیرباز در برقراری و حفظ صلح و امنیت تأثیر داشته‌اند و از روش‌های مختلفی به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات استفاده می‌کنند، که شامل روش‌های سیاسی مانند مذاکره، میانجیگری، سازش و یا روش‌های حقوقی مانند داوری و رسیدگی قضایی می‌شود (همان، ۴).

باتوجه به تحولاتی که امروزه در جامعه بین‌المللی رخ داده است، نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و حضور این سازمان‌ها ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد و علت

آن هم این است که ایجاد این سازمان‌ها نسبت به سازمان‌های بین‌المللی فوق‌العاده ساده‌تر است و در بررسی صلح در جامعه بین‌الملل نیز سازمان‌های غیردولتی بیش از سازمان‌های دولتی به مقوله صلح اهمیت داده‌اند. قلمرو فعالیت‌های این سازمان‌ها از حقوق بشر تا مخاصمات مسلحانه و محیط زیست می‌باشد که همه به نحوی صلح و آرامش جهانی را هدف قرار می‌دهند (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۴).

هربار که تغییر عمده‌ای در جامعه بین‌الملل حاکم شده است، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی مورد بازنگری مجدد قرار گرفته است. این موضوع در ابتدای قرن بیستم و در سایه تحولات عمده واقع در آن زمان مصداق دارد و هم اکنون نیز در دهه اولیه قرن بیستم و یکم و هزاره سوم تجلی یافته است. در قرن جدید، علاوه بر وجود عناصر و عوامل تکنولوژیک جدید، در عرصه دیپلماسی دولت‌زدایی شده است. این عنصر مهم و تاثیرگذار باعث گردید در مناسبات صلح، جنگ و ثبات از میان برداشته شود. و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی روی کار آمده‌اند، که درصددند با گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک خود در صحنه‌های بین‌المللی نقش‌آفرین باشند و محدودیت کارکرد دولت‌های ملی را در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی برطرف سازند (همان، ۲۶). از دیدگاه نهادگرایان با افزایش نقش نهادهای بین‌المللی ما شاهد گسترش همکاری‌های بین‌المللی در جهت منسجم ساختن بیشتر جامعه بین‌المللی می‌باشیم. برخی از تحلیل‌گران این دیدگاه ادعا می‌کنند که جنگ را می‌توان از میان برداشت و فرهنگ صلح را جایگزین آن کرد. اندیشه‌های کسانی مانند ۷۹ ویلسون و آنجل بر پایه دیدگاه لیبرال‌ها در مورد موجودات انسانی و جامعه انسانی است، اینکه انسان‌ها موجودات عقلانی هستند و با عقلانیت به این مهم می‌رسند که با ایجاد مجموعه‌ای از سازمان‌ها، همه می‌توانند از فرهنگ غنی صلح و آرامش و امنیت حاصل از روابط بین‌الملل بهره‌مند شوند. همه این مسائل پایه تاسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله جامعه ملل شد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۶).

شکست‌های جامعه ملل در دهه ۱۹۳۰ موجب تردید پیرامون وجود هماهنگی منافع در برقراری صلح گردید. به همین خاطر تلاش بر این شد که به منظور تأمین صلح و امنیت بین‌المللی ملت‌ها و حل و فصل منصفانه اختلاف‌ها، حقوق و سازمان‌های بین‌المللی با قدرتی کارآمد تلفیق شوند. درک صحیح از مفاهیم صلح و امنیت نه تنها در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی امری ضروری است، زیرا این سازمان‌ها از تأثیرات بسیار مهمی بر روند تحولات جامعه جهانی برخوردار بوده‌اند و به مرور زمان نیز بر اهمیت آنها افزوده می‌شود، بلکه از آنجائیکه فرضیه‌های متعددی در پی شناخت و نقش و به رسمیت شناختن این سازمان‌ها به وجود آمده‌اند، بدون این شناخت نمی‌توان به خوبی نسبت به میزان تاثیرگذار بودن این سازمان‌ها قضاوت کرد. مقاله حاضر تلاش خواهد کرد تا با بهره‌مندی از رهیافت نهادگرایی نولیبرال به بررسی مفهوم صلح و نقش سازمان‌های بین‌المللی در میزان تأمین این مفهوم در جامعه بین‌المللی امروز بپردازد.

مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

در ذیل مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم صلح

صلح حالتی است که در آن، جنگ حکمفرما نباشد (بند ۱ منشور ملل متحد). صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۵). لکن ملل متحد، مفهوم آن را وسعت داده و بعنوان «نهاد یک نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت» تلقی کرده است (بیگزاده، پیشین: ۱۲۱). بنابراین از این دیدگاه، صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت. سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای که در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کردند امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم وجود صلح و امنیت بین‌المللی نیست، عدم ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نقض حقوق بشر نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود (اشرفی، پیشین: ۸۶). بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۰ منشور ملل متحد، تقویت صلح از طریق توسعه روابط دوستانه بین‌المللی را بیان می‌کند که منجر به کاهش علل زمینه‌های وقوع جنگ و تحکیم صلح جهانی خواهد بود. همانطور که از مفاد مواد ۳۳، ۳۴، ۳۶ و ۳۹ و همچنین ماده ۵۰ منشور برمی‌آید هدف، حصول این اهداف از طریق مسالمت‌آمیز بوده است.

۲- مفهوم امنیت بین‌المللی

بطور کلی واژه امنیت به نوعی احساس روانی اطلاق می‌شود که در آن به خاطر مبرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر احساس می‌شود. در مفهوم کلی، امنیت به برحذر بودن از خطراتی اطلاق می‌شود که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. پس از انعقاد صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ و شکل‌گیری نظام دولت-ملت، مفهوم امنیت ملی در روابط بین‌المللی مطرح شد و با گذشت زمان و تعمیق روابط بین‌المللی، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز پا به عرصه حیات گذارد. در گذشته امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد. اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود. به تبع محدود بودن مفهوم صلح، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت و مبتنی بر امنیت ملی دولت‌ها بود. لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهمترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. از منظر این دیدگاه، دولت‌ها، هم منشأ اصلی تهدید تلقی می‌شدند و هم مسئول برقراری امنیت و تامین امنیت ملی بود. اما با آغاز عصر جهانی شدن امنیت بین‌المللی نیز تدریجاً

مفهوم وستفالیایی خود را از دست داد. دیگر منشا بسیاری از تهدیدات نه دولت‌ها بلکه عوامل و اشخاص دیگری تلقی می‌شدند. ماهیت تهدیدات نیز از نظامی به ابعاد دیگری همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تسری یافت. افزایش جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، توسعه فقر، تخریب محیط زیست و گرم شدن کره زمین از جمله عوامل تهدید در دنیای معاصر تلقی می‌شوند. در عصر حاضر برخلاف مفهوم سنتی امنیت جمعی که بیشتر در مقابل تجاوز بکار می‌رفت مفهوم امنیت انسانی رواج پیدا کرده است که به معنای ایمنی از تهدیدات جدی دنیای امروز نظیر گرسنگی، بیماری، ستم‌دیدگی و آثار و تبعات زیانبار و ناگهانی ناشی از شکل زندگی جهان معاصر است که باعث گسترش امنیت جهانی از امنیت دولت‌ها به امنیت انسان‌ها و نباتات و گیاهان شده است (همان، ۸۷).

زمینه‌های پیدایش سازمان‌های بین‌المللی

پیدایش هر سازمان و نهاد ملی و بین‌المللی مبتنی بر نیازها و آرمان‌هایی است که در عصر پیدایش آن نهادها، زندگی آدمیان را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده، زمینه‌های ایجادشان را فراهم می‌کند.

قرن بیستم را قرن سازمان‌های بین‌المللی نامیده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی در این قرن در شرایطی تأسیس و گسترش یافتند که نیاز به وجود آنها برای تمامی آرزومندان صلح ضروری و غیرقابل اجتناب بود. عمده‌ترین ۸۱ ضرورت‌ها و انگیزه‌های پیدایش این سازمان‌ها عبارتند از:

۱- جنگ‌های بین‌المللی و خطر بالقوه جنگ‌های بزرگ در آینده؛

۲- انقلاب تکنولوژی و روابط متقابل در دنیای نوین؛

۳- حفظ و کنترل صلح و امنیت بین‌المللی توسط قدرت‌های عمده (بیگزاده، پیشین: ۱۴۰).

امروزه در جامعه بزرگ جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده‌دار شده‌اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلای قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (مشیرزاده، پیشین: ۷۱). نهادگرایان نیز معمولاً دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نقش نهادهای بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان‌های

بین‌المللی و توانایی آنها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (غفوری، پیشین: ۲۶).

سازمان‌های بین‌المللی

پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین‌الملل دستخوش تحولات متعددی گردید. مهمترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و موارد دیگر را شامل می‌شوند. پیدایش تکنولوژی پیچیده نظامی بعنوان وسیله‌ای در خدمت سیاست خارجی دولت‌ها و نفوذپذیر شدن مرزهای کشورها باعث شد که بر نقش سازمان‌های بین‌المللی به منظور افزایش همکاری میان دولت‌ها افزوده شود. این مسأله به این خاطر می‌باشد که دولت‌ها در حال حاضر از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و حتی سیاسی و نظامی آسیب‌پذیر گشته‌اند و نمی‌توانند خود را از جریان‌های جهانی برحذر داشته و به تنهایی درصدد حفظ امنیت مرزی خویش برآیند. پس از جنگ سرد میخائیل گورباچف نخستین کسی بود که در کتاب خود تحت عنوان به سوی دنیای بهتر از جایگزینی همکاری به جای رویارویی میان شرق و غرب سخن گفت و نیاز دنیای جدید را به همکاری جدید را به همکاری در تمامی زمینه‌ها مطرح کرد (همان، ۲۸). سازمان‌های بین‌الملل به منظور ایجاد همکاری و تعاون بین دولت‌ها در زمینه‌های مختلف از جمله: تبادل اطلاعات، اکتشافات و تجربیات یکدیگر به وجود آمده‌اند تا دولت‌ها را در پاسخ به نیازهای اساسی و ارائه خدمات در سطح جهان یاری دهند که این از عهده یک کشور منفرد ساخته نیست. سازمان‌ها ملل متحد هسته مرکزی این سازمان‌ها بوده و نقش آن هماهنگ کردن کلیه همکاری‌های بین‌المللی است.

پایان جنگ جهانی دوم، تشکیل سازمان ملل متحد را در سایه همکاری نهادینه کشورهای قدرتمند به منظور ایجاد صلحی پایدار برای جامعه جهانی بشارت داد. این سازمان بعنوان اولین نهاد مدافع صلح در جهان معرفی می‌شود که اهداف خود را بر چهار اساس استوار کرده است: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل برابری حقوق و خودمختاری ملت‌ها همکاری بین‌المللی به منظور حل مسائل جهانی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بشردوستی و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان تأسیس گردید. ملاحظه می‌شود که پیدایش اولین سازمان‌های بین‌المللی در جامعه جهانی مهمترین مسأله و دغدغه خود را صلح و امنیت و آزادی مطرح کرده‌اند. سازمان ملل متحد در مدت فعالیت خود اغلب به منظور جلوگیری از وضعیت‌های خطرناک بین‌المللی که ممکن بوده است به جنگ منتهی شود، دو طرف متخاصم را به استفاده از شیوه‌های دیپلماتیک مانند شرکت در مذاکرات به جای توسل به اسلحه ترغیب کرده است. بنابراین سازمان ملل، تاکنون نسبتاً نقش تعدیل‌کننده و یا آرام‌بخش در بسیاری

از مناقشات بین‌المللی ایفا کرده است. این نقش، بویژه در بحران برلین (۱۹۴۹-۱۹۴۸) و کوبا (۱۹۶۲) از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اهمیت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۶۷ در دو منطقه خاورمیانه، پس از آنکه مصر تقاضای خروج نیروهای مزبور را از صحرای سینا نمود، به وضوح مشخص شد؛ زیرا پس از خروج از نیروها بلافاصله جنگ در گرفت. در اندیشه نهادگرایی نئولیبرال، سازمان‌های بین‌المللی قادرند همکاری بین دولت‌های ملی را در موضوعات جهان‌شمول تقویت نموده و مستقل از اراده قدرت‌های بزرگ در صحنه بین‌الملل عمل نمایند (بیگزاده، پیشین: ۳۰).

سازمان‌های بین‌المللی به دو دسته سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند، هر کدام از این سازمان‌ها در زمینه صلح فعالیت‌های زیادی داشته‌اند اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان‌های غیردولتی در تأمین صلح جهانی می‌باشیم. این نوع سازمان‌ها، عمدتاً دارای انگیزه‌های بشردوستانه بوده و قادر به ایجاد ثبات و نگهداری صلح جهانی هستند. به منظور حفظ بیطرفی، اغلب این نهادها، رویه‌ای بیطرفانه پیشه کرده و در خارج از مجموعه دولتی مبادرت به همکاری و فعالیت می‌نمایند. برخی از این تشکیلات عبارتند از: سازمان‌های بین‌المللی مذهبی مانند: سازمان‌های کلیسای کاتولیک و واتیکان، تشکل‌های اسلامی، مذاهب دیگر در چارچوب فدراسیون‌های دینی، انجمن بین‌المللی وکلای دادگستری، فدراسیون جهانی انجمن‌های طرفدار ملل متحد، اتحادیه بین‌المجالس و سازمان بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری.

۸۳

اما از میان آنها گروه‌هایی نظیر آکسفام، در زمینه نجات کودکان و جامعه تاکنون در کشورهای اوگاندا، کامبوج، سودان کمک‌های انسانی مهمی را ارائه کرده‌اند. از زمان تأسیس سازمان‌های بین‌المللی تاکنون با هر نوع مشکلی که امنیت جهانی را نقض کرده است برخورد کرده‌اند و در این زمینه راهکارهای مختلفی ارائه کرده‌اند، یکی از موارد تهدیدآمیز صلح به خصوص در عصر کنونی جامعه جهانی، بحث تروریسم است که در این زمینه بیشتر سازمان‌های بین‌المللی، اعمال تروریستی نظیر قتل، گروگانگیری، هواپیمارایی و تخریب اموال و اماکن، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را نقض کرده و روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. ماهیت جهانی این مسأله، جامعه بین‌المللی را وادار به انجام اقداماتی برای مقابله با تروریسم کرده است. گرچه اقدامات مختلفی اعم از یکجانبه، دوجانبه و یا منطقه‌ای برای کنترل تروریسم صورت گرفته، اما در نگاه رویکرد نهادگرایی نئولیبرال، اقدامات همه‌جانبه مشارکت تمامی دولت‌ها در مبارزه با تروریسم امری اجتناب‌ناپذیر است و مناسب‌ترین مکان برای حل این مشکل جهانی، سازمان ملل متحد است (www.tabnak.ir). با افزایش اعمال تروریستی، دولت‌ها به اهمیت سازمان‌های جهانی در مقابله با تروریسم پی برده‌اند. عمده‌ترین نتیجه پاسخ حقوقی جامعه بین‌المللی، انعقاد کنوانسیون‌هایی است که درصدد تنظیم یا توسعه صلاحیت کیفری دولت‌های عضو نسبت به اعمال مختلف تروریستی و در نهایت مجازات متهمین

به ارتکاب چنین بعنوان مهمترین دلیل تهدید امنیت و صلح جهانی مطرح شد و جامعه جهانی تنها از طریق فعالیت‌های جمعی سازمان‌ها توانست از میزان این تهدیدات بکاهد و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث دیگر شبیه به این موضوع، اقداماتی را انجام دهد. در واقع فعالیت‌های سازمان ملل و دیگر سازمان‌های غیررسمی مدافع صلح، در آماده کردن افکار جامعه جهانی به منظور مبارزه با تروریسم بسیار تأثیرگذار بوده است.

تروریسم و سازمان‌های بین‌المللی

ترور با اشکال مختلف‌اش با پیدایش بشر موجودیت یافت و در طول تاریخ انسان‌های زیادی را از صحنه گیتی حذف و جوامع انسانی را با ناامنی و وحشت روبرو ساخت. شاید محسوس‌ترین فرآیند پدیده فوق، ایجاد بی‌ثباتی و تزلزل در روابط میان انسان‌ها و به تبع آن بی‌اعتمادی آنها نسبت به عواطف و احساسات بشری و نوع‌دوستانه باشد؛ اما ایجاد ارعاب و حذف رقبا از صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از عمده‌ترین انگیزه‌های این حرکت ضدانسانی می‌باشد که تاکنون نیز اینگونه بوده است. بعد از تشکیل سازمان ملل متحد و عضویت اکثر کشورهای جهان و پذیرش منشور ملل متحد از سوی آنان، مبارزه با تروریسم در سطوح بین‌المللی برعهده این سازمان نهاده شد. همه کشورها دریافته‌اند که تنها از طریق همکاری جهانی می‌توان به مبارزه علیه تروریسم برخاست، که تاکنون این همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و محوریت سازمان ملل متحد در موارد متعددی به انجام رسیده است. در حیطه سیاسی مجمع عمومی همه اعمال تروریسم بین‌الملل را به دفعات محکوم کرده است (www.magiran.ir).

۸۴

کنوانسیون بین‌المللی علیه بمب‌گذاری تروریستی، که در سال ۱۹۷۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، مقرر می‌کند که دولت‌ها متهمان به بمب‌گذاری تروریستی را باید تحت پیگرد قانونی قرار دهند. یا آنها را به کشور اصلی‌شان تسلیم کنند. اعلامیه درباره اقدامات برای رفع تروریسم بین‌المللی مصوب سال ۱۹۹۴ نیز حرکتی واقعی در زمینه اقدامات ملی و بین‌المللی است، که در مقابله با تروریست باید توسط دولت‌ها اجرا گردد از دیگر سازمان‌های مدافع صلح در برابر تروریسم و جنگ سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر می‌باشد که در این زمینه فعالیت‌های زیادی کرده‌اند. و اخیراً هم در میانمار فعالیت‌های گسترده‌ای را به منظور حفظ صلح انجام داده‌اند. از این جهت می‌توان نتیجه گرفت که بعد از وقوع حوادث یازده سپتامبر به دلیل مطرح شدن تروریسم بعنوان یک عامل تأثیرگذار و مختل‌کننده صلح و آسایش جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نقش مهمتری را در ذهن افکار عمومی ملت‌ها به منظور حمایت از امنیت جامعه جهانی بازی کرده‌اند و مسئولیت‌های مهمتری پیدا کرده‌اند. چرا که اگر این نهادهای حامی جهانی وجود نداشتند، ایجاد

اتحاد و همبستگی بین دول به منظور همکاری و صلح به آسانی امکان‌پذیر نبود. و این مسأله با مقایسه قبل و بعد از ایجاد سازمان‌های بین‌المللی به وضوح مشخص بوده است.

صلح جهانی

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارد که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبروست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد (نماینان و سهراب بیگ، ۱۳۹۱: ۷).

صلح در نظام حقوق بین‌الملل اساساً صلح بین‌المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین‌المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت‌های صرفاً ملی به نفع صلاحیت‌های بین‌المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و ۸۵ حتی علیه پاره‌ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می‌شود که صلح بین‌المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست. امروزه اولویت جامعه بین‌المللی و حقوق حاکم بر آن، صلح فراگیر بین‌المللی و نه تنها منطقه‌ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین‌المللی و ملت‌ها و تمدن‌های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین‌کننده دامنه صلح دانست (ساعد، پیشین: ۲۷).

سازمان‌های بین‌المللی تجاری و صلح

یکی از عوامل مهم ناکامی بشر در دستیابی به صلح، توزیع نابرابر منابع اقتصادی و دسترسی به امکانات بقاست. در حالیکه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بگونه‌ای این ناعدالتی را بعنوان اصل مهم صلح جهانی ترمیم می‌کند و شکاف اجتماعی و فرهنگی را تقلیل می‌دهد و به همین میزان نیز احتمال تنش و خشونت را خواه در روابط انسانی، بین ملت‌ها و تمدن‌ها و نهایتاً بین دولت‌ها کاهش خواهد داد و در نهایت جنگ و درگیری نیز به حداقل خواهد رسید. از نظر رویکرد نهادگرایی نولیبرال در جامعه بین‌المللی پیدایش

سازمان‌های بین‌المللی تجاری و اقتصادی نه تنها به صلح کمک می‌کند بلکه با وجود مذاکرات کشورها و تعاملات اقتصادی بین آنها و نیاز روزافزون هر کشور در زمینه‌های مختلف به کشور دیگر بحث و وابستگی متقابل را به وجود می‌آید که روند توسعه را نیز فزونی می‌بخشد (همان، ۳۲). در این چارچوب آنچه مهم است و اهمیت دارد بحث عدالت و رعایت کردن آن از جانب سازمان‌های بین‌المللی است، از این نظر گفته می‌شود که تحقق عدالت از دغدغه‌های اصلی سیاستمداران و دست‌اندرکاران نظام‌های اقتصادی و اجتماعی است اما نکته اینجاست که هر گروهی و مکتبی راه رسیدن به عدالت اقتصادی و تحقق آن را به شکل خاصی عملی می‌داند. پس از نظر و جنبه اقتصادی همکاری نهادینه دولت‌ها در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی تجاری می‌توان به پیشبرد صلح جهانی کمک کند (www.noorlib.ir).

ارتباط بین صلح جهانی و سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و جهانی از جمله بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند. گروهی از سازمان‌های بین‌المللی که در حوزه‌های مانند حقوق بشر، جنگ و صلح و ... فعالیت دارند تأثیر بیشتر و عمیق‌تری در تحول مفهوم صلح برجای می‌گذارند. بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیردولتی تأثیرات زیادی بر صلح و دگرگونی نحوه تأمین آن دارند که فعالیت آنها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می‌گیرد (سرمست، ۱۳۸۸: ۲۰۶). سازمان ملل متحد که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین جامعه ملل شد، بزرگترین سازمان بین‌المللی است که نقض اصلی را در حفظ صلح و تأمین امنیت در جهان به عهده دارد. این سازمان که تبلوری از امنیت دسته جمعی است، سازمان بین‌دولتی محسوب می‌شود. این سازمان نقش موثری در برقراری امنیت و تأمین صلح در جهان ایفا کرده است، برخی از این اقدامات مستقیم مثل تشکیل گروه‌های بانی صلح در مناطق بحران زده و برخی از آنها غیرمستقیم بوده است. مانند تشکیل سازمان‌های حقوقی و داوری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ایجاد ساختارها، رژیم‌ها، قواعد و هنجارهای بین‌المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف‌سازی امور و کاهش ابهام، مقابله با رفتارهای ناهنجاری بازیگران در عرصه بین‌المللی و بالاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی منازعات به حفظ و صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می‌کند. (همان، ۳۰۸).

در مورد سازمان‌های نظامی بین‌المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌توان گفت در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده‌اند و احتمال می‌رود با گسترش حوزه فعالیت آنها به سایر نقاط نقش فعال‌تری در تأمین صلح و امنیت جهانی در سایر مناطق جهان ایفا کند. برای نمونه: رهبران کشورهای عضو ناتو در نوامبر ۱۹۹۱ «بیانه صلح و همکاری رم» را صادر کردند. در این بیانیه که به دنبال بیانیه لندن در ۱۹۹۰ صادر شد، بر این امر تأکید شده بود که در این زمان، تشکیل اجتماعی متشکل از ارزش‌های مشترک آزادی، دموکراسی

و حقوق بشر در میان مردم آمریکای شمالی و مردمان تمامی کشورهای اروپایی میسر است (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۸۷). نهادهایی که در آن زمان، مسئولیت تشکیل چنین اجتماعی را برعهده داشتند، اتحادیه اروپای غربی، شورای اروپا، جامعه اروپایی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو بودند که می‌بایست در برابر بی‌ثباتی‌های ناشی از اختلافات اقتصادی و منازعات ملی‌گرایانه، راهکارهایی را ارائه می‌دادند. رهبران کشورهای ناتو، راه‌حل برون‌رفت از بحران‌های جدید را در بکارگیری همزمان سه رهیافت گفتگو، همکاری و حفظ توان دفاع جمعی می‌دانستند (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۸۶: ۷۱).

سازمان کنفرانس اسلامی یکی از سازمان‌های بین‌دولتی مهم به خصوص در بین کشورهای اسلامی می‌باشد این سازمان به خصوص در نقش‌آفرینی ایران بعنوان ریاست پیشینی سازمان در حل بحران‌های منطقه‌ای، بحران سوریه و ترکیه، کوزوو و حل مسائل و مشکلات فلسطینیان، لیبی، افغانستان و عراق. کسب موفقیت‌های افتخارآفرین در این عرصه‌ها، پتانسیل بالقوه و نهفته این سازمان را فراروی صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان سیاسی قرار داده است که می‌تواند با بهره‌گیری بهینه از آن، بیش از آنچه است، در عرصه بین‌المللی به ایفای نقش بپردازد. یکی از اولویت‌های مهم سازمان کنفرانس اسلامی، تلاش برای رفع تنش و اختلاف میان کشورهای عضو سازمان بوده است. همچنین همایش ژنو اولین تجربه موفق سازمان کنفرانس اسلامی در

انجام اقدامی جمعی و محتوایی در زمینه حقوق بشر در تعامل با سازمان ملل متحد محسوب می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۰: ۲). باید یادآور شویم مطالعه و بررسی نظام‌های منطقه‌ای از آن جهت دارای اهمیت می‌باشد که شناخت مسائل منطقه‌ای، تعاملات، جهت‌گیری و همکاری‌های منطقه‌ای به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در تدوین استراتژی‌های کشورهای و همکاری‌های منطقه‌ای کمک همه‌جانبه‌ای می‌نماید. ارزیابی و مرور یک سازمان بین‌المللی و نهاد همگرا به نام اتحادیه آفریقا که بیش از چهار دهه از تأسیس ابتدایی آن با عنوان سازمان وحدت آفریقا می‌گذرد و به نوعی نخستین تجربه همگرایی در قاره آفریقا با استفاده از مدل منطقه‌گرایی منطقه‌ای و بهره‌گیری از الگوی نو کارکردگرایی می‌باشد ما در شناخت تأثیر نهادهای همگرا در قرن حاضر بازی می‌نماید. سازمان وحدت آفریقا در ابتدای کار فعالیت‌های خود را بر اهداف سیاسی که در ماده دوم اساسنامه آن ترسیم شده بود، متمرکز کرد. در این چارچوب این سازمان نقش عمده‌ای در استعمارزدایی از قاره آفریقا، حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات مرزی کشورهای این قاره، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اعضاء و مبارزه با آپارتاید ایفا کرد. امروزه دیگر داده‌های سیاسی به تنهایی نمی‌توانند ساختارهای نوینی در نظام بین‌المللی ایجاد نمایند و این بازیگران همگرا هستند که با بهره‌گیری از حاصل جمع قدرت واحدهای سیاسی می‌توانند در ماهیت نظام بین‌الملل نقش ایفاء نمایند و این اتحادیه آفریقا بوده است که با فرآیندی طولانی و پرهیز از خلق ناگهانی درصد نهادینه ساختن همگرایی نوین در آفریقا بوده

است و تاکنون توانسته با نگاهی عملیاتی گام‌های موثری را در جهت اهداف والای خود که توسعه پایدار و تأمین صلح و امنیت آفرینا می‌باشد گام بردارد (پورا احمدی، ۱۳۷۶: ۶۱). براین اساس می‌توان گفت تلاش‌های بسیار زیادی از جانب سازمان‌های بین‌المللی برای برقراری صلح در جهان انجام گرفته در بالا به ذکر تعدادی از آنها پرداخته شد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این پژوهش، بررسی میزان کارکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی می‌باشد این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد، اینکه چگونه سازمان‌های بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد، در تأمین صلح جهانی، می‌توانند تأثیرگذار باشند. فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که با وجود حقوق و وظایفی که سازمان‌های بین‌المللی در چهارچوب قوانین خود برای دولت‌ها وضع کرده‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین صلح جهانی دارا می‌باشند. امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت‌ها را نشان می‌دهد. پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین‌الملل دستخوش تحولات متعددی گردید. ۸۸

مهمترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و موارد دیگر را شامل می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی به دو دسته سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند، هر کدام از این سازمان‌ها در زمینه صلح فعالیت‌های زیادی داشته‌اند اما امروز به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان غیردولتی در تأمین صلح جهانی می‌باشیم. جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارند که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبروست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد. سازمان‌های زیادی در راستای حفظ و بسط صلح در جهان به وجود آمده‌اند که اقدامات با ارزش و موثری را در این راستا انجام داده‌اند. باتوجه به مدارک و شواهد تاریخی در این پژوهش سعی شد تا به این موضوع پرداخته شود و به عملکردهای بعضی از مهمترین سازمان‌ها مانند سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه آفریقا که در زمینه حفظ و ثبات صلح اقداماتی را انجام داده‌اند اشاره شود.

فهرست منابع

- ۱- اشرافی، داریوش (۱۳۹۳)، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، س ۱۵، ش ۴۲.
- ۲- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- پوراحمدی، حسین (۱۳۷۶)، سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- ۴- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۶)، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- ۵- رحمانی، مسعود (۱۳۹۰)، نقش ایران در ارتقای موقعیت جهانی کنفرانس اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۶- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
- ۷- سرمست، بهرام (۱۳۸۸)، بازیگران، جنگ‌افزارها و سرچشمه‌های جدید تهدیدات امنیت بین‌المللی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۸.
- ۸- غفوری، محمد (۱۳۸۳)، «عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در عرضه روابط بین‌الملل نوین»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی.
- ۹- کولایی، الهه و تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۶)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۱۰- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱- نمایان، پیمان و سهراب بیگ، محمد (۱۳۹۱)، «مبارزه با تروریسم؛ راهبردی موثر در تحقق صلح عادلانه جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی - سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، ش ۶.
- 12- www.tabnak.ir.
- 13- www.magiran.ir.
- 14- www.noorlib.ir.